آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی:

وحدت ملی را به خاطر اختلافات باندی مخدوش نکنیم

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام تاکید کرد: چرا باید امت و ملتی که دین، کتاب و کشور مشترک دارند، بگذارند عده‌ای تندرو برداشت‌های غلط خود از دین و مذهب را به اسم اسلام معرفی و بر اساس آن اقدامات خصمانه کنند؟ به گزارش ایلنا، آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در دیدار محسن رضایی، معاونان، روسا و دبیران کمیسیون‌ها و جمعی از کارکنان دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، انقلاب اسلامی را حجت خدا در زمان ما دانست و گفت: در این انقلاب، اختلافات باندی آنقدر ارزش ندارد که وحدت ملی را مخدوش نماییم. رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام، با بیان تفاوت‌های انتقادات مصلحانه و اختلافات سلیقه‌ای با تنازعات کینه‌جویانه، گفت: در تاریخ اسلام مقاطع فراوانی داریم که کینه‌جویان با ادعای دفاع از دین اسلام، هم زمینه سوءاستفاده دشمنان را فراهم می‌کنند و هم مسلمانان را به جان هم می‌اندازند. وی با یادآوری جایگاه علمی و فقاهتی آیت‌الله‌العظمی بروجردی در حوزه علمیه قم، گفت: آن علامه دهر که استاد مراجع فعلی و سابق ما بودند، در کلاس‌های درس همگان را از دامن‌زدن به اختلافات مذهبی پرهیز می‌دادند. آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی افزود: آیت‌الله بروجردی خلافت و حجیت ائمه‌معصوم را دو مساله شیعیان با اهل سنت می‌دانست و برای خلافت تاکید می‌کرد که دامن‌زدن به یک مساله تاریخی چه دردی را دوا می‌کند و برای حجیت ائمه(ع) نیز دارالتقریب را تاسیس کرده بودند که کارهای ایشان و شیخ شلتوت باید سرمشق علمای شیعه و سنی در همه زمان‌ها باشد. رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام، با تبریک آزادی سربازان مرزبان ایرانی به تشریح چرایی و چگونگی ربوده‌شدن آنها و دلنگرانی‌های همه ایرانیان در ایام نوروز پرداخت و گفت: چرا باید امت و ملتی که دین، کتاب و کشور مشترک دارند، بگذارند عده‌ای تندرو برداشت‌های غلط خود از دین و مذهب را به اسم اسلام معرفی و بر اساس آن اقدامات خصمانه کنند؟ آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی با ستایش از نقش علمای اهل سنت، در این ماجرا، گفت: این تلاش‌ها در راستای عمل به بیانات قرآن کریم است که مسلمانان را دعوت به وحدت می‌نماید. وی با بیان مستنداتی از حضور جوانان اهل سنت در هشت سال دفاع مقدس و تقدیم شهدای گرانقدر به انقلاب اسلامی گفت: همدلی و همکاری اهل سنت و شیعیان ایران می‌توانست الگویی برای همه جوامع مسلمان باشد که بعضی از تندروهای دو طرف خواسته یا ناخواسته دارند آب را به نفع دشمنان اسلام گل‌آلود می‌کنند. رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام با تاکید بر این نکته که «غرب و شرق دنیای استکباری هیچ وقت راضی به وحدت کشورهای اسلامی نیست» به امکانات بالقوه و بالفعل ویژگی‌های جغرافیایی، منابع سرشار و جمعیت ۱/۷میلیاردی مسلمانان در دنیا اشاره کرد و گفت: اگر مسلمانان با هم باشند، قوی‌ترین مجموعه در سازمان‌های بین‌المللی خواهند بود.

مرور فرجام عملیات تروریستی سال‌های ۸۷ و ۹۲

نتیجه متفاوت ۲ گروگانگیری

علی ذهابی: حسن روحانی، رییس‌جمهوری کشورمان، «تروریسم» و «اختلافات فرقه‌ای و مذهبی» را از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی امنیت کشور می‌داند. او که در انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته، رای بالایی را در مناطق حاشیه‌ای کشور کسب کرد برای فایق‌آمدن بر این چالش، در نخستین گام دستیار ویژه‌ای در امور اقوام و اقلیت‌های مذهبی و دینی منصوب کرد تا از این رهگذر پیامی برای همه ایرانیان فرستاده باشد؛ از نگاه دولت مرکزی، همه شهروندان- صرفنظر از مذهب و قومیت- دارای حقوق و البته ارزشی برابر هستند.

آزادی چهار مرزبان گروگان‌گرفته‌شده توسط گروهک «جیش‌العدل» هم نشان می‌دهد فعالیت موثر نیروهای بومی و معتمدان محلی و همراهی آنان با دولت و نهادهای ملی، کلید بسیاری از قفل‌های بسته است.

۱۸بهمن سال گذشته پنج‌نفر از مرزبانان ایرانی در نزدیکی مرز در منطقه سراوان ربوده شدند. دوروز بعد گروهک جیش‌العدل، مسوولیت این اقدام تروریستی را برعهده گرفت. سوم فروردین سال‌جاری «جیش‌العدل» اعلام کرد که یکی از مرزبانان را به شهادت رسانده است. نهایتا اما دستگاه‌های انتظامی و امنیتی با همراه‌کردن معتمدان محلی توانستند، ۱۸فروردین چهار مرزبان ایرانی را به خاک وطن بازگردانند.

هرچند برخی رسانه‌های خاص همچنان بر عملکرد دولت در جریان آزادی این مرزبانان خرده می‌گیرند و برای انتقاد تند از دولت از خیر این «سوژه» هم نگذشته‌اند؛ رسانه‌هایی که در سال‌های نه‌چندان‌دور در مقابل اتفاقات تلخ سال‌های گذشته ترجیح دادند کمتر به انتقاد دولت محبوبشان بپردازند. سراوان یادآور خاطره‌ای تلخ از گروگانگیری دیگر است؛ گروگانگیری‌ای که فرجامی ناگوار به‌همراه داشت. شامگاه بیست‌وچهارم خرداد ۱۳۸۷ اعضای گروهک تروریستی «جندالله» با حمله به یک پاسگاه مرزی، ۱۶ مامور انتظامی ایران را گروگان گرفتند و به پاکستان انتقال دادند.

این گروگانگیری همزمان با تحویل برادر عبدالمالک ریگی از سوی پاکستان به ایران اتفاق افتاد. خردادماه ۱۳۸۶ دولت پاکستان عبدالحمید ریگی را به‌عنوان یکی از متهمان ردیف اول قتل‌عام ۲۵ اسفند ۱۳۸۴ «تاسوکی»، به‌همراه پنج عضو دیگر به ایران تحویل داد. عبدالحمید ریگی با هواپیمایی که از ایران به اسلام‌آباد فرستاده شده بود به تهران منتقل شد.

گروهک «جندالله» ۱۶مامور نیروی انتظامی را در حال گشت‌زنی در این منطقه محاصره و به گروگان گرفت. اندکی پس از این حادثه، سخنگوی گروهک جندالله به ایران پیام می‌دهد اگر خواستار آزادی گروگان‌هاست باید اعضای جندالله را که در بند هستند آزاد کند. هرچند این خواسته هرگز برآورده نشد. چنانکه در چنین مواردی معامله با گروهک‌های تروریستی معمول نیست و در جریان اخیر (ربودن پنج مرزبان ایرانی توسط گروهک «جیش‌العدل») نیز سردار احمدی‌مقدم، فرمانده نیروی انتظامی اعلام کرد «برای آزادی مرزبانان هیچ معامله‌ای با تروریست‌ها صورت نگرفته است.» چندروز بعد، گروهک «جندالله» فیلمی را برای «العربیه» فرستاد؛ فیلمی که حاوی تصاویری از کشته‌شدن دونفر از گروگان‌ها بود. سخنگوی «جندالله» تهدید کرده بود تا زمانی که با درخواست آزادی ۲۰۰نفر از اعضای این گروهک موافقت نشود هر هفته دو گروگان را خواهد کشت. همچنین در جریان گروگانگیری ۱۸بهمن ۱۳۹۲ پس از اعلام به‌شهادت‌رساندن یکی از مرزبانان توسط ربایندگان، اخباری مبنی بر درخواست «جیش‌العدل» برای آزادی ۳۴ نفر از اعضای این گروه منتشر شد. آنها گفته بودند چنانچه به درخواستشان پاسخ داده نشود چهار سرباز دیگر را هم خواهند کشت، اما استاندار سیستان‌وبلوچستان، قاطعانه، شایعات موجود درباره احتمال انجام چنین معامله‌ای را تکذیب کرد. جریان گروگانگیری سال ۸۷ سراوان حوادث دیگری را هم به‌همراه داشت. ۲۷خرداد ابراهیم کریمی، معاون دادگستری سراوان، به شهادت رسید. مقامات امنیتی و قضایی احتمال دادند این حمله به تلافی تحویل‌گرفتن عبدالحمید ریگی از پاکستان صورت گرفته باشد.

در این حین مهدی هاشمی، سرپرست وقت وزارت کشور به‌همراه هیاتی راهی پاکستان شد. رایزنی‌ها در این خصوص صورت می‌گرفت که اسلام‌آباد در شناسایی پناهگاه جندالله که بنا بر گزارش‌ها وزیرستان پاکستان بوده است و اعضای جندالله نیز پس از هر عملیاتی به این منطقه پناهنده می‌شدند با آنها همکاری کند. هرچند بعدها وزیر وقت اطلاعات اعلام کرد که دولت پاکستان در این خصوص همکاری‌ای با دولت ایران نداشته است و از عدم همکاری پاکستان در آزادکردن گروگان‌های سراوان انتقاد کرد. اما سرانجام این گروگانگیری چیزی جز به‌شهادت‌رسیدن تمامی مرزبانان ربوده‌شده نبود. نزدیک به شش‌ماه بعد از اقدام تروریستی گروهک جندالله، در چهاردهم آذرماه سردار احمدرضا رادان، معاون فرمانده نیروی انتظامی اعلام کرد: «نتایج بررسی‌های کمیته تفحص ویژه حادثه سراوان نشان‌دهنده کشته‌شدن تمامی گروگان‌هاست.» کمیته‌ای که عنوان شد متشکل از نمایندگان وزارت کشور، اطلاعات، امورخارجه و نیروی انتظامی بوده است.

پس از آن هم بنیاد شهید استان خراسان‌رضوی با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد هفت‌نفر از گروگان‌هایی که توسط «جندالله» به شهادت رسیدند از اهالی این استان بودند که برای خدمت وظیفه به سیستان‌وبلوچستان اعزام شده بودند. بنا بر این اطلاعیه، اجساد هیچ‌کدام از شهدا به ایران بازنگشت و زمان و محل کشته‌شدن آنها نیز اعلام نشد.

حالا هم به گفته سردار ذوالفقاری «جیش‌العدل» گفته که پیکر جمشید دانایی‌فر را تحویل نخواهد داد. هرچند رییس‌جمهوری در پیام آزادی مرزبانان ایرانی تاکید کرد: «از همه مسوولان مربوطه به‌ویژه وزارتخانه‌های کشور، اطلاعات و خارجه و صداوسیما می‌خواهم تا روشن‌شدن وضعیت پنجمین مرزبان فداکار وطن، لحظه‌ای از پای ننشسته و هرچه‌سریع‌تر موجبات رفع نگرانی خانواده بردبار و شریف او را فراهم آورند.»

همراهی افکارعمومی با کلید تدبیر

همکاری مردمی و ریش‌سفیدان محلی با دستگاه‌های انتظامی و امنیتی در جریان آزادسازی چهار مرزبان ایرانی در حادثه اخیر کاملا مشهود است.

از سویی تمامی دستگاه‌های ذی‌ربط (وزارت اطلاعات، وزارت‌خارجه، وزارت کشور و شخص رییس‌جمهوری) که در جریان فعالیتی هماهنگ برای رهایی سربازان وطن بودند در بیانیه خود از همراهی نیروهای بومی و بزرگان استان سیستان‌وبلوچستان در این امر تشکر کردند.

تشکیل کمپینی برای آزادی مرزبانان ربوده‌شده و جمع‌آوری ۱/۵میلیون امضای شهروندان ایرانی برای آزادی گروگان‌ها، نشان داد که آزادی چهار مرزبان ایرانی به مطالبه‌ای ملی تبدیل شد. تا آنجا که محمدجواد ظریف، وزیر امورخارجه کشورمان در نامه‌ای به «بان‌کی‌مون»، دبیرکل سازمان ملل‌متحد با اشاره به اقدامات تروریستی متعدد صورت‌گرفته در مرز ایران و پاکستان و ربودن پنج مرزبان ایرانی، مراتب اعتراض کشورمان را اعلام و خواستار اقدام قاطعانه جهانی در این خصوص شد. در بخشی از این نامه آمده است: «مردم ایران حق دارند خواستار اقدام قاطعانه جهانی شوند؛ اقدامی که در عمل منجر به بازگشت گروگان‌هایشان به وطن و مجازات مسوولان این جنایت‌ها علیه هموطنانشان باشد. یک نمود درخواست مشروع مردم ایران، حرکت خودجوش مردمی جوانان ایرانی در جمع‌آوری یک‌میلیون امضا برای درخواست از جنابعالی و دیگر مقامات بین‌المللی جهت انجام اقدامات موثرتری برای بازگشت سریع‌تر گروگان‌های ایرانی به وطن است. من نیز با ارسال این نامه به این موج می‌پیوندم.»

این درحالی است که در جریان حادثه گروگانگیری چهارم خرداد ۱۳۸۷ کمتر شاهد چنین روندی بودیم. شگفت اینکه در خلال گروگانگیری اخیر، کاربران شبکه‌های اجتماعی کمترین اشاره را به ماجرای گروگانگیری سال ۸۷ داشتند. این در حالی است که از پایان تلخ آن گروگانگیری، کمتر از پنج‌سال می‌گذرد و فاجعه‌ای به این ابعداد قاعدتا نباید به این سرعت از حافظه افکارعمومی پاک شود. این نکته احتمالا نشانگر آن است که شهادت مظلومانه ۱۶مرزبان ایرانی در سال ۸۷- با وجود عمق فاجعه- به مساله‌ای ملی بدل نشده بود؛ مساله‌ای که در جریان گروگانگیری جاری کاملا معکوس بود.

عذرخواهی فرمانده مرزبانی از مردم

فرمانده مرزبانی نیروی انتظامی در توضیح آزادی مرزبانان گفت: «من از مردم شریف کشورمان به نیابت از مرزبانان عذرخواهی می‌کنم که این حادثه موجب شد در پایان سال مقداری ذائقه مردم تلخ شود و امیدواریم این اقدامات بتواند قدری از این تلخی را بکاهد.» به گزارش واحد مرکزی خبر، سردار سرتیپ حسین ذوالفقاری درخصوص معافیت سربازان آزادشده افزود: «این سربازان ادامه سربازی خواهند داد و هیچ‌گونه معافیتی برای آنها لحاظ نخواهد شد و این موضوع، تاثیری در روند خدمتشان نخواهد داشت.»

سردار ذوالفقاری عنوان کرد: «اصل این حادثه از اول برای ما مشکوک بود و هم‌اکنون در حال پیگیری هستیم که اصل حادثه چرا اینگونه اتفاق افتاده، زیرا شرایط به‌صورت طبیعی نبوده است و امیدواریم بررسی‌های ما به نتیجه برسد.»

پیشنهاد تنبیه مرزبانان آزادشده

رییس کمیته دفاعی کمیسیون امنیت‌ملی و سیاست‌خارجی مجلس معتقد است چهار سرباز آزادشده، به‌دلیل قصور در انجام وظیفه باید تنبیه شوند. اسماعیل کوثری به «خانه ملت» گفته که تنبیه این افراد برای این لازم است صورت بگیرد که دیگر این تخلفات تکرار نشود. او افزود: «معتقدم باید با چهار مرزبان آزادشده از دست گروهک تروریستی جیش‌العدل به‌علت تخلفات و کوتاهی در انجام وظیفه برخورد شود.» رییس فراکسیون ایثارگران مجلس درباره نحوه رفتار با مرزبانان آزادشده بر اساس قانون ایثارگری، گفت: «آنها مشمول قانون خدمات مربوط به آزادگان نمی‌شوند.» کوثری ضمن انتقاد از خواب‌بودن پنج‌مرزبان ایرانی هنگام انجام وظیفه، افزود: «من بودم به‌جای برخورداری از خدمات آزادگی، آنها را تنبیه می‌کردم تا در زمان انجام وظیفه دیگر این تخلفات را تکرار نکنند.»

رییس کمیسیون شوراهای مجلس در گفت‌وگو با «شرق»:

تحقیق‌وتفحص از «بنیاد شهید» به اندازه «تامین‌اجتماعی» صدا می‌کند

شرق: مراحل رسیدگی به پرونده تخلف مالی در «بنیاد شهید» اگرچه خیلی طولانی شده اما جسته و گریخته از سوی برخی نمایندگان مجلس دنبال می‌شود. تحقیق‌وتفحص از «بنیاد شهید» از همان آغاز با انواع سنگ‌اندازی‌ها مواجه شده بود و حالا آهسته و پیوسته پیش می‌رود. «مسعود زریبافان»، رییس پیشین «بنیاد شهید» آنقدر از نمایندگان منتقد این بنیاد شکایت کرده که حالا کمتر نماینده‌ای در بهارستان درباره تفحص از «بنیاد شهید» حرف می‌زند. یکی دیگر از نگرانی‌های پیش‌روی این تحقیق‌وتفحص، احتمال خوانده نشدن جنبه‌های مختلف گزارش در صحن علنی است، آنچه رییس کمیسیون شوراها آن را رد کرده و می‌گوید: «برای هر تحقیق‌وتفحص میلیون‌ها هزینه می‌شود و هدف از تفحص اعلام یافته‌های آن به افکار عمومی و مسوولان است و به همین خاطر هیچ دلیلی برای ملاحظه‌کاری در این مسیر وجود ندارد و گزارش پس از اتمام کار در صحن علنی خوانده می‌شود.» البته برخی دیگر از نمایندگان نگاه خوش‌بینانه خجسته را ندارند و گاه و بیگاه در راهروهای بهارستان نگرانی‌شان را از جرح و تعدیل گزارش نهایی اعلام می‌کنند. با این حال خجسته درباره وضعیت این پرونده به جزییات بیشتری اشاره نکرده و تنها می‌گوید: «هر چه پیش‌تر می‌رویم، وضعیت پیچیده‌تر و یافته‌ها بیشتر می‌شود. فکر می‌کنم تحقیق‌وتفحص از «بنیاد شهید» به اندازه تامین‌اجتماعی صدا کند.» «غلامعلی جعفرزاده‌ایمن‌آبادی» که روزگاری بیشترین اطلاعات و جزییات پرونده تحقیق‌وتفحص از تامین‌اجتماعی را در اختیار خبرنگاران قرار می‌داد، این روزها کمتر پاسخگوی سوالات است و البته خودش تاکید دارد که این مساله ربطی به شکایت مسعود زریبافان از سخنان گاه و بیگاه او ندارد. با این حال می‌گوید: «در این تفحص هرچه پیشتر می‌رویم، ابعاد عجیبی مشاهده می‌شود و هر کس که از آن مطلع می‌شود، تنها به شرمندگی در برابر خانواده شهدا فکر می‌کند و بس. متاسفم که چنین شرایطی برای این عزیزان پیش آمده.» اما هر چه باشد، گویی شکایت از برخی نمایندگان کار خودش را کرده و حالا برخی نمایندگان بیش از گذشته نگران احتمال شکایت تیم وکلای آقای زریبافان هستند. انبوه شکایت‌های مردمی از «بنیاد شهید» به «کمیسیون اصل ۹۰» و نمایندگان مجلس نخستین جرقه‌ها برای پیشبرد تحقیق‌وتفحص از «بنیاد شهید» را به وجود آورد و زمزمه‌ها بالا گرفت، اما برخی در همان بنیاد – در دوره ریاست مسعود زریبافان در این نهاد- در تماس‌های تهدیدآمیز با برخی نمایندگان تلاش کردند تا آنها را از هرگونه اقدام در این زمینه بازدارند. علاوه بر شکایت‌های مردمی، فاش‌شدن خبر اختلاس هزارو۷۰۰میلیاردریالی و انتقال آن به خارج از کشور به شروع جدی تفحص از «بنیاد شهید» کمک کرد. البته مسعود زریبافان، رییس سابق «بنیاد شهید» تاکید دارد که «تحقیق‌وتفحص مسایل شخصی برخی افراد است. «بنیاد شهید» از پاک‌ترین نهادهاست و پاک‌ترین افراد در آن کار کرده‌اند و همه این موارد دعواهای شخصی است.» اما واقعیت نشان از آن دارد که این بنیاد دست‌کم در دوره مدیریت او چندان هم نهاد پاکی نبوده. چنانچه نمایندگان مجلس نهم، سال گذشته از اختلاس ۱۵میلیاردتومانی در «بنیاد شهید» خبر دادند و به دنبال آن طرح تحقیق‌وتفحص از این نهاد را در ۲۰ خرداد سال‌جاری کلید زدند. عدم شفافیت مالی، وجود شایبه‌های مختلف در بخش‌های اقتصادی بنیاد و کشف اختلاس ۱۵میلیاردتومانی» از جمله دلایل پیگیری این طرح در مجلس نهم است. در سال‌های گذشته بارها خانواده‌های جانبازان و ایثارگران دوران جنگ در مقابل مجلس و «بنیاد شهید» تجمع کرده بودند. غلامعلی جعفرزاده‌ایمن‌آبادی، پیش از این به «شرق» گفته بود: ««بنیاد شهید» مجموعه بنگاه بزرگ اقتصادی است که در گوشه و کنار مملکت هر کاری دلش خواسته انجام داده، متاسفانه در این پرونده هر چه جلوتر می‌رویم وضعیت وخیم‌تر می‌شود. به هر کجای این پرونده دست می‌گذاریم زوایای بیشتری از این فساد به دست می‌آوریم به همین دلیل زمان بیشتری را برای بررسی نیاز داریم.» پرونده تحقیق‌وتفحص از «بنیاد شهید» از ۲۰خرداد سال گذشته آغاز شد و حالا مراحل پایانی را پشت سر می‌گذارد. پیش از این نیز برخی نمایندگان مجلس از جمله نایب‌رییس مجلس، از کشف ۸۰ تخلف در جریان تحقیق‌وتفحص از زیرمجموعه‌های بنیاد از جمله بانک دی خبر داده بودند. ۳۵ گروه در این مدت در پروژه تحقیق‌وتفحص از «بنیاد شهید» با نمایندگان مجلس همکاری کرده‌اند.

غلامعلی جعفرزاده‌ایمن‌آبادی: در این تفحص هرچه پیشتر می‌رویم، ابعاد عجیبی مشاهده می‌شود و هر کس که از آن مطلع می‌شود، تنها به شرمندگی در برابر خانواده شهدا فکر می‌کند و بس

آینه

ایران

یادداشت: «همکاری ایران و اروپا به‌مثابه فرصت تاریخی»؛ سیدعلی خرم

کسانی که بر مشی مخالف خود در قبال گشایش دفتر اتحادیه اروپا در ایران و سفارت ایران در اتحادیه اروپا پا می‌فشارند نباید این واقعیت را نادیده گیرند که چنین توافقی برای گسترش همکاری ایران و اروپا در قالب یک تفاهم و پروتکل انجام می‌شود که طی آن هر دو طرف منافع خویش را در آن تفاهم لحاظ می‌کنند. لذا گشایش دفتر، نمادی از عزم دو طرف (ایرانی و اروپایی) برای تحول‌آفرینی در مناسبات و عبور از دوران بدبینی و تیرگی است.

قانون

یادداشت: «مولوی عبدالحمید؛ ظرفیتی برای صلح و امنیت در منطقه»

همراهی مولوی عبدالحمید با جریان سیاسی اصلاح‌طلب در انتخابات چند دوره گذشته و حمایت وی از کاندیداتوری مصطفی معین و میرحسین موسوی و حسن روحانی در انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری، نگاه‌های تندخویانه‌ای را نسبت به وی برانگیخته است. البته این رویکرد چندان دور از مشی عملی این عالم برجسته مذهبی اهل‌سنت نیست. اعتقاد وی به اصلاحات تدریجی و آزادی‌های سیاسی و مدنی و دموکراسی، پیوندهای فراوانی بین وی و جریان‌های اصلاح‌طلب به‌وجود آورده است. پیگیری مستمر و روشن وی از دولت‌ها برای استفاده از نیروهای مستعد سیاسی اهل‌سنت در مقامات منطقه‌ای و کشوری و برابردانستن آنان در کسب این جایگاه‌ها با شیعیان و رعایت آزادی‌های مذهبی اهل‌تسنن در همه‌جای ایران در برپایی نمازهای عیدین، نمازهای جمعه و جماعت و داشتن مسجدی برای اهل‌تسنن در کلانشهرها، اعتماد اهل سنت را نسبت به وی افزوده است. همه این خصایص اگر با دیدی ملی و توسعه‌گرایانه دیده شود می‌تواند برکات فراوانی برای ثبات و امنیت مناطق شرقی و کل کشور داشته باشد. حضور مولوی عبدالحمید در فرآیند آزادسازی مرزبانان گروگان گرفته‌شده توسط گروه افراطی جیش‌العدل، خود نشان از این جایگاه برجسته دارد.

جمهوری اسلامی

سرمقاله: «علمای اهل سنت زاهدان و انتظارات»

نقش انکارناپذیر مولوی عبدالحمید در آزادی این چهار مرزبان، نکاتی را به همراه دارد که توجه به آنها حایز اهمیت است... . تماس علمای اهل سنت و شخص امام جمعه اهل سنت زاهدان با ربایندگان مرزبانان از همان روزهای اول برقرار بوده، به همین دلیل انتظار این بود که اجازه نمی‌دادند یکی از این مرزبانان به شهادت برسد... اگر این گروهک تروریستی اعتراف نمی‌کرد که برای علمای اهل سنت احترام قایل است و اگر امام جمعه اهل سنت زاهدان اعلام نمی‌کرد که در جریان جزییات آزادی مرزبانان قرار دارد و برای ورود همراه با امنیت آنان به کشور به مسوولان مربوطه کمک کرده، شاید انتظاری از علمای اهل سنت سیستان‌وبلوچستان و شخص مولوی عبدالحمید برای مهار تروریست‌ها و جلوگیری از شرارت‌های آنها وجود نداشت، ولی با توجه به واقعیت‌های یادشده این انتظار وجود دارد که علمای اهل سنت و شخص امام‌جمعه زاهدان با نفوذی که در اشرار دارند برای ریشه‌کن‌کردن شرارت‌ها و پاک‌کردن لکه ننگ تروریسم از دامن استان بزرگ و مومن‌پرور سیستان‌وبلوچستان تلاش نمایند... از شخص مولوی عبدالحمید این انتظار وجود دارد که با تلاش مستمر خود، استان سیستان‌وبلوچستان را از وجود اشرار و تروریست‌ها پاک کند تا این تهمت ناروا متوجه وی نباشد که در موارد بحرانی با استفاده از نفوذ خود بر اشرار، تلاش می‌کند توجه دولتمردان جمهوری اسلامی را برای گرفتن امتیازاتی به نفع خود جلب نماید.

وطن امروز

تیتریک: «معمای واسطه‌ها»

بر اساس چه فرمول و معادله‌ای ناگهان یک واسطه می‌تواند چهار سرباز ایرانی را از چنگ تروریست‌های آدمکش که سال گذشته در اقدامی فجیع ۱۴ سرباز ایرانی را قتل‌عام کردند و رهبران آنها از سر بریدن گروگان‌های شیعه خود فیلمبرداری می‌کنند؛ آزاد کند؟!... ارتباطات سران تروریست با برخی افراد و مدارس آنها نیز موضوعی است که از نگاه بومیان منطقه پنهان نمانده است. نامه‌نگاری‌های تروریست‌ها با این افراد و نیز تحرکات در اطراف برخی مدارس در راستای گرویدن اهل تسنن منطقه به جمع این تروریست‌ها (که البته با مخالفت اهل سنت مواجه شده است) مسایل غیرقابل انکاری است. قطعا نیروهای امنیتی نسبت به این موضوع باید حساسیت لازم را داشته باشند تا در جریان آزادسازی سربازان ایرانی، خدای ناکرده برخی عوامل نزدیک به تروریست‌ها تقویت یا تطهیر نشوند. چگونه می‌شود کسی که سابقه حمایت از برخی اشرار را در کارنامه خود دارد اکنون به‌عنوان منجی جا زده شود.

کیهان

تیتریک: «نظارت را رها کردند قیمت‌ها سر به فلک کشید»

بی‌توجهی به نقش نظارت در کنترل قیمت‌ها و تنظیم بازار، واقعیت تلخ و آسیب‌رسانی است که متاسفانه در هر دو دولت قبلی و کنونی وجود داشته و افزایش جهشی قیمت‌ها را در پی آورده است. علیرغم وعده وزارت صنعت مبنی بر نظارت بر بازار نوروزی مردم در ایام عید شاهد افزایش قیمت برخی کالاهای ضروری نظیر مرغ و میوه بودند در همین حال و در آستانه اجرای مرحله دوم هدفمندی یارانه‌ها این سوال در افکار عمومی مطرح است که آیا وعده‌های دولت مبنی بر کنترل بازار و مقابله با گرانی‌های افسارگسیخته نتایجی همانند وعده‌های نوروزی خواهد داشت؟ ... آیا سازمان حمایتی که نتیجه عملکردش در ایام عید افزایش بیش از هزار تومانی مرغ بوده است می‌تواند با گرانی‌های ناگهانی فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها مقابله کند؟

ادامه از صفحه اول

وزیر ارشاد و هیات نظارت

شش عضو دیگر نمایندگان قوه‌قضاییه، استادان دانشگاه، مجلس شورای اسلامی، مدیران مسوول، استادان حوزه علمیه و شورایعالی انقلاب فرهنگی است. هیات اصولا تحت دستور هیچ مقامی نیست و تصمیمات آن، مطابق با مقررات با اکثریت آرا اخذ می‌شود. اعضای آن نیز کارمند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیستند که تحت دستور وزیر باشند. ریاست وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بر این هیات صرفا ماهیت دبیرخانه‌ای دارد. متفاهم عرفی از واژه «رییس» و «ریاست» آن است رییس «مرئوس» داشته باشد. مرئوسی که تحت فرمان و دستور رییس قرار می‌گیرد و آنچه رییس می‌گوید برای او لازم‌الاتباع بوده و نتواند از آن تخلف کند. این قاعده چنان مستحکم است که اگر در دستگاه اداری و سازمانی کسی از دستور رییس تخلف کند حسب مورد مرتکب تخلفات انضباطی شده و از سوی هیات رسیدگی به تخلفات اداری تحت‌پیگرد قرار می‌گیرد. اما رابطه میان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با هیات نظارت بر مطبوعات و اعضای آن مطلقا فاقد چنان ماهیتی بوده و تحت هیچ شرایطی از نوع رابطه «رییس» و «مرئوس» نیست. برای اثبات این نکته روشن و بدیهی کافی است بر اساس وظایف و اختیارات هیات نظارت بر مطبوعات به چند نمونه توجه کنیم: مثلا اگر هیات نظارت بر مطبوعات بر اساس ماده ۱۱ با صدور پروانه برای شخصی موافقت یا مخالفت کند، وزیر نمی‌تواند با آن مخالفت کرده و تصمیم دیگر اتخاذ کند. همچنین چنانچه هیات بر اساس اختیار مندرج در ماده تبصره ۱۲، تصمیم به توقیف یک نشریه بگیرد، وزیر صلاحیت قانونی ندارد که آن تصمیم را ملغی و بی‌اثر کند. بر این پایه روشن است که ریاست وزیر فرهنگ بر هیات نظارت بر مطبوعات (موضوع تبصره ۵ ماده ۱۰) یک ریاست عالی و دارای اختیارات کامل سازمانی نیست. از سوی دیگر بنا بر یکی از اصول اساسی حقوق، که در تمام شعب حقوق و فقه جریان دارد و حاکم است، مسوولیت موکول و مشروط به اختیار است. هرکس در صورتی مسوول است که دارای اختیار باشد. مدلول این اصل که به‌عنوان «ملازمه مسوولیت و اختیار» هم شناخته می‌شود، آن است که میزان مسوولیت هر کس نسبت به اعمال و رفتاری که انجام می‌دهد، مطابق با اختیاراتی است که دارد. به همین دلیل است که به‌عنوان مثال برای کسی که مجبور یا مکروه است مسوولیتی قایل نمی‌شوند. در حقوق اداری هم این اصل جاری است. هر وزیر، به دلیل ریاستی که بر قلمرو وزارتخانه خود دارد، به دلیل اختیارات ناشی از این ریاست مسوول است و باید پاسخگوی همه اعمال اداری کارکنان و سازمان‌ها و ادارات وزارت متبوع باشد. اما در مورد نهادهایی که ریاست، ماهیت آمر و مامور ندارد، نمی‌توان برای رییس مسوولیت پاسخگویی درنظر گرفت. ساده‌ترین و روشن‌ترین مثال در این زمینه، ریاست مجلس است. رابطه حقوقی رییس مجلس و نمایندگان، فاقد ماهیت دستوری است. نمایندگان مجلس در انجام وظایف نمایندگی اصولا تحت امر و فرمان رییس مجلس نیستند. به همین دلیل نمی‌توان رییس مجلس را برای تصمیمات نمایندگان یا آرا و نطق‌های ایشان مسوول شناخت. اینها همه نتایج اصل ملازمه مسوولیت و اختیار است. اینک پرسش مهم این است که وقتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در تصمیم‌گیری‌های هیات نظارت بر مطبوعات اختیارات دستوری و آمرانه ندارد و او نیز فقط یک رای است از میان کل هفت‌رای هیات، چگونه می‌توان از نظر حقوقی، وزیر را مسوول تصمیمات هیات نظارت بر مطبوعات دانست؟

ظاهر تبصره ۵ ماده ۱۱ این اشکال اساسی را دارد که یک مقام (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی) را در حالی که فاقد اختیار دستوری بر اعضای هیات نظارت بر مطبوعات است، مسوول کارها و تصمیمات آنان دانسته است. چنین نگاهی به‌منزله بی‌اعتنایی تمام نسبت به همان اصل بنیادین و بدیهی «ملازمه مسوولیت و اختیار» و در نتیجه نادرست، مغایر با اصول پایه‌ای حقوق و نهایتا لغو است. از سوی دیگر به‌موجب روش‌شناسی تفسیر، هر تفسیری از قانون که موجب نسبت‌دادن لغو به قانونگذار است، تفسیر نادرستی است. تفسیر درست تفسیری است که با سایر اصول و موازین و معیارهای اساسی حقوقی نیز سازگار باشد.

بنابراین تفسیر تبصره ۵ باید با رعایت اصل «ملازمه مسوولیت و اختیار» در محدوده میزان اختیارات و وظایف وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در قانون مطبوعات انجام شود. یعنی باید دید که قانون مطبوعات چه اختیاراتی نسبت به نظارت بر مطبوعات به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی داده است و او را در همین دایره مسوول دانست. به‌عنوان مثال طبق تبصره ۳ ماده ۱۱، کل امور دبیرخانه‌ای هیات نظارت بر مطبوعات برعهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (و در نتیجه وزیر) است. مثلا اگر این وزارتخانه در تشکیل جلسات و دعوت از اعضا و تهیه صورتجلسه‌ها و ابلاغ تصمیم‌ها و مانند اینها وظایفش را به‌درستی انجام ندهد وزارتخانه مسوول است. همچنین ماده ۱۲ قانون مطبوعات نیز مسوولیت معینی را برعهده وزارتخانه قرار داده است. دعوت از مدیران‌مسوول برای انتخاب نماینده‌ای جهت عضویت در هیات نظارت هم برعهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. اینها از جمله مواردی است که به عملکرد هیات نظارت و قوت و ضعف آن مرتبط است و می‌توان وزیر را به حسب اختیاراتی که نسبت به آنها دارد، مسوول شناخت. به این ترتیب مسوولیت موضوع تبصره ۵ ماده ۱۱ محدود به میزان اختیاراتی است که وزیر نسبت به اعمال هیات نظارت بر مطبوعات دارد و قطعا تصمیمات هیات نظارت بر مطبوعات از شمول این تبصره خارج است و نمی‌توان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را برای تصمیمات هیات نظارت بر مطبوعات مسوول و پاسخگو دانست.